



ارزیابی عملکرد محاکم داخلی آمریکا

در انتساب اعمال گروه های لبنانی و فلسطینی به جمهوری اسلامی ایران

سید حسین سادات میدانی *

پدانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه تهران.

مقدمه

با اصلاح قانون مصونیت دولت های خارجی ایالات متحده^۱ در سال ۱۹۹۶، به اتباع این کشور اجازه داده شد که علیه دولت های خارجی تحت شرایط خاصی در ارتباط با شکنجه، قتل غیرقانونی، خرابکاری در هواپیما و گروگانگیری به منظور جبران خسارت طرح دعوی نمایند. در این راستا دعاوی مختلفی نیز علیه جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با اعمال گروه های فلسطینی و لبنانی طرح گردیده و تاکنون در حدود ۴ میلیارد دلار حکم قطعی صادر شده است. جدای از ایرادات حقوقی همانند مصونیت دولت ها در حقوق بین الملل، تعیین دامنه مصونیت قانون مصونیت دولت های خارجی، عطف بماسبق شدن قانون مذکور، استناد به اعمال اصل صلاحیت جهانی و صدور حکم به خسارات تنبیهی، مسأله انتساب عمل گروه های لبنانی و فلسطینی به کشورمان نیز دارای ابهاماتی حقوقی است. به عبارت دیگر، این سؤال مطرح می گردد که براساس حقوق بین الملل عام و در شرایط کنونی، چگونه می توان عمل اشخاص خصوصی را به یک دولت منتسب نمود؟ در حقوق مسؤلیت بین المللی دولت، برای اینکه فعل یا ترک فعل یک دولت به عنوان عمل متخلفانه بین المللی^۲ و موجب مسؤلیت تلقی گردد، تحقق دو شرط ضروری است:

اولاً به موجب حقوق بین الملل، عمل مورد نظر به آن دولت منتسب باشد و ثانیاً عمل مذکور نقض تعهد بین المللی آن دولت محسوب شود.^۳

کمیسیون حقوق بین الملل که در نشست پنجاه و سومین خویش طرح مسؤلیت بین المللی دولت را تکمیل و تصویب نمود، در ماده ۲ مشخصاً این دو شرط را ذکر کرده است^۴ و همین امر مورد تأیید دیوان دائمی^۵ و دیوان بین المللی دادگستری^۶ نیز هست. به طور مثال در دعاوی ایالات متحده و ایران در ارتباط با قضیه لانه جاسوسی، دیوان برای احراز مسؤلیت کشورمان بیان داشت:

می بایست اولاً تعیین شود تا چه اندازه ای از نظر حقوقی، اعمال مورد اختلاف قابل انتساب به دولت ایران می باشند. ثانیاً مطابقت یا عدم مطابقت با تعهدات ایران طبق معاهدات لازم الاجرا یا براساس هر قاعده حقوق بین الملل قابل اعمال، مورد بررسی قرار گیرد.^۷

بنابراین قاضی داخلی و یا بین المللی دربرخورد با این دعاوی برای احراز مسؤولیت یک کشور می بایست به بررسی قابلیت انتساب عمل بپردازد. در این نوشتار مختصراً تلاش گردیده به این سؤال پاسخ گفته شود آیا صرف حمایت های مالی و معنوی کشورمان از این گروه ها، موجب مسؤولیت بین المللی می باشد، به عبارت دیگر آیا ساختار این گروه ها در شرایطی به جمهوری اسلامی ایران است؟ ضمن طرح موضوع از زاویه قضایای طرح شده علیه جمهوری اسلامی ایران نزد دادگاه های داخلی ایالات متحده، تلاش خواهیم نمود با الهام از رویه دیوان ها و دادگاه های بین المللی به ویژه دیوان بین المللی دادگستری، دیوان کیفری بین المللی یوگسلاوی، دیوان داوری ایران و آمریکا و دادگاه اروپایی حقوق بشر به این سؤال پاسخ دهیم.

بند اول: دادگاه های داخلی آمریکا و انتساب عمل گروه های لبنانی و فلسطینی به ایران

همانگونه که اشاره گردید با اصلاح قانون مصونیت دولت های خارجی ایالات متحده در سال ۱۹۹۶، به اتباع این کشور اجازه داده شد که علیه دولت های خارجی طرح دعوی نمایند و بر این اساس دعوی علیه کشورمان طرح گردید، عمده این دعاوی ناشی از خسارات وارده به اتباع آمریکایی در اثر اقدامات گروه های لبنانی و فلسطینی بوده است. در اولین قضایای طرح شده سؤال این بود که رفتار این گروه ها به چه نحوی قابل انتساب به ایران است؟ در اولین قضیه طرح شده، مشهور به قضیه فلا تو، مسؤولیت جمهوری

به عنوان یک اصل کلی در حقوق بین الملل،

عمل یک شخص یا موجودیت خصوصی قابل انتساب به دولت

نمی باشد. با این حال تحت شرایطی ممکن است

این عمل قابل انتساب به دولت باشد، چرا که ممکن است بین

اشخاص خصوصی و دولت ارتباط ویژه ای وجود داشته باشد.

اسلامی ایران به دلیل حمایت مادی و مالی از جنبش جهاد اسلامی فلسطین مورد پذیرش قرار گرفت. قاضی لابرث در این رای اشاره می کند که "به موجب قانون" چنانچه کارگزاران، مقامات یا کارکنان یک دولت خارجی حمایت مادی از یک سازمان تروریستی به عمل آورند، این چنین عملی به مثابه عملی تلقی می گردد که از سوی ارکان آن دولت انجام پذیرفته است، این امر مبتنی بر قانونمند تروریسم می باشد، مقررات مربوط به دولت حامی تروریسم^۸ تعریفی از "حمایت مادی" به عمل می آورد. بر طبق این تعریف "حمایت مادی به معنای پول یا سایر اوراق مالی، خدمات تأمین مالی، آموزش، پناه امن، مدارک جعلی شناسایی، تجهیزات ارتباطی و... می باشد"^۹. وی بر این اساس عمل گروه فلسطینی حماس را به جمهوری اسلامی ایران منتسب نمود.

در پرونده ایزنفلد، دادگاه بخش کلمبیا نظر داد که حماس از خواننده (جمهوری اسلامی ایران) حمایت مادی و فنی وسیع دریافت می کند و ایران هر ماه به حماس ۱۵ میلیون دلار کمک می نماید و در زمینه کاربرد جنگ افزارها و مواد منفجره، آموزش هایی را به آنها ارائه می دهد.^{۱۰}

در برخی از قضایا، دادگاه های آمریکا به دلیل عدم اثبات حمایت از گروه های مزکور توسط خواهان ها از صدور حکم پرداخت خسارت خودداری نموده است به طور مثال اخیراً در رأی انگار دادگاه های آمریکا اعلام داشتند که:

در اینجا خواهان ها اثبات کرده اند که ایران به صورت گسترده ای از حماس حمایت و پشتیبانی کرده است ولی آنها ارتباط

این حمایت را به قتل انگار و همسرش نشان نداده اند. مردانی که یالان و افرات انگار را به قتل رساندند، پول و اسلحه را صرفاً از حماس دریافت نکرده اند. آنها در خلال چندین ماه قتل انگار و همسرش با حماس ارتباط نداشته اند و اقدامات آنها دیدگاه کارشناسان را مبنی بر اینکه حمله از مصادیق بارز حملاتی است که ایرانیان آموزش داده اند، تأیید نمی کند. در واقع به جز نظر کارشناسان، هیچ سندی که دال بر این ادعا باشد که ... و افرادش در بهار سال ۱۹۹۶ از حماس منابع مالی دریافت کرده باشند و یا توسط آنها آموزش دیده باشند وجود ندارد. همانطور که حماس آنها را هرگز در خصوص شلیک از ماشینی در حال حرکت، آموزش نداده است.

دادگاه های ایالات متحده در مواردی نیز با توسل به امارات و قرآینی همانند "خوشحالی افراد به هنگام اخبار واصله درخصوص جنگ ایران و عراق" و یا آبراز ناراحتی به هنگام انتشار اخبار ارتحال امام خمینی (ره) مبادرت به انتساب عمل اشخاص خصوصی به جمهوری اسلامی ایران نموده اند.

با در نظر گرفتن یافته های فوق الذکر توسط دادگاه های ایالات متحده صرف نظر از مسأله صحت حقایق طرح شده، سؤال این خواهد بود که آیا براساس حقوق بین الملل به صرف کمک مالی و اقتصادی به یک گروه می توان مدعی مسؤولیت بین المللی آن دولت گردید یا اینکه علاوه بر حمایت مادی و اقتصادی، وجود شرایط دیگر از جمله "دستور" و کنترل و هدایت نیز ضروری است؟ در این صورت، چه میزان کنترل، به تحقق مسؤولیت دولت منجر خواهد شد؟

بند دوم: حقوق بین الملل و کیفیت انتساب عمل اشخاص خصوصی به دولت

همانگونه که گفته شد، کمیسیون حقوق بین الملل در نشست پنجاه و سوم خود، پیش نویس طرح مسؤولیت بین المللی دولت را احراز، تکمیل و تصویب نمود.^{۱۱} در ارتباط با بحث انتساب عمل اشخاص خصوصی به دولت ماده ۸ این پیش نویس تحت عنوان "عملی که از سوی یک دولت هدایت یا کنترل می شود چنین اشعار می دارد:

"رفتار یک فرد یا گروهی از افراد در صورتی براساس حقوق بین الملل عمل یک دولت تلقی می شود که آن فرد یا گروه از افراد در حقیقت در ارتباط عمل به دستور یا تحت هدایت و کنترل آن دولت عمل نموده باشند."^{۱۲}

به عنوان یک اصل کلی در حقوق بین الملل، عمل یک شخص یا موجود خصوصی قابل انتساب به دولت نمی باشد.^{۱۳} با این حال تحت شرایطی ممکن است این عمل قابل انتساب به دولت تلقی شود، چرا که ممکن است بین اشخاص خصوصی و دولت ارتباط ویژه ای وجود داشته باشد.^{۱۴} آنچه که در ماده ۸ پیش نویس کمیسیون آمده است ناظر بر دو وضعیت است:

وضعیت اول شامل اشخاص خصوصی می گردد که در انجام رفتار متخلفانه، به پیرو دستور یک دولت عمل کرده باشند و وضعیت دوم که عام تر است زمانی است که اشخاص خصوصی با هدایت و کنترل دولتی عمل می نمایند. با در نظر گرفتن اصل موثر بودن^{۱۵} در حقوق بین الملل، ضروری است که در هر دو مورد مذکور وجود یک ارتباط واقعی بین فرد یا گروهی که عمل را انجام داده اند و نظام دولتی احراز گردد.

در اینجا ضمن بیان مختصر شرایط و وضعیت های موجود مسؤولیت بین المللی ناشی از اعمال اشخاص خصوصی، نشان خواهیم داد که دادگاه های ایالات متحده در انتساب اعمال گروه های لبنانی و فلسطینی به کشورمان به درستی عمل ننموده اند.

الف - اشخاص خصوصی در حکم رکن دولت

۱- کنترل مؤثر

در دیدگاه کلاسیک حقوق بین الملل، برای اینکه عمل اشخاص خصوصی به یک دولت قابلیت انتساب پیدا نماید، می بایست اثبات گردد که آن دولت نسبت به آن افراد دارای کنترل مؤثر^{۱۸} بوده است.

در این خصوص می توان مشخصاً به ادعاهای طرح شده در دیوان بین المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه اشاره نمود. در آن قضیه سوال این بود که آیا رفتار گروه کنترا به دلیل حمایت های مادی و معنوی ایالات متحده از آنها به این کشور قابل انتساب است (مشابه حمایت های مادی و معنوی از گروه های لبنانی و فلسطینی همانند حماس و حزب الله) و آیا ایالات متحده به دلیل عمل متخلفانه آنها دارای مسؤلیت بین المللی است. دیوان برای پاسخ به این سوال عنوان داشت که در صورت اجتماع دو شرط اعمال کنتراها به ایالات متحده منتسب است. اول اینکه آمریکا نسبت به آنها کنترل مؤثر داشته باشد و ثانیاً این کنترل در ارتباط با موارد نقض تعهدات اعمال گردیده باشد. دیوان در رأی خویش بیان داشت:

علی رغم کمک های مالی فراوان و سایر حمایت هایی که از سوی ایالات متحده به آنها ارائه شده است، هیچ مدرک روشنی دال بر این که ایالات متحده واقعاً این چنین کنترلی را در کلیه زمینه ها اعمال می کند وجود ندارد تا بتوان رفتار کنتراها را به نمایندگی از آن دولت توجیه نمود. کلیه اشکال حضور ایالات متحده به شکل فوق و حتی کنترل کلی دولت خوانده نسبت به نیروها به همراه درجه ای از وابستگی به آن، فی نفسه و بدون مدارک تکمیلی به این معنی نیست که ایالات متحده ارتکاب اعمال ناقض حقوق بشر و

در برخی وضعیت ها اشخاص خصوصی علیرغم اینکه از حیث مقررات داخلی یک دولت، رکن آن تلقی نمی شوند، به دلیل دستور ارکان دولت به این اشخاص اعمالشان منتسب به آن دولت می باشد، بدون اینکه الزاماً به این اشخاص، سمت و عنوان رکن دولت، داده شده باشد و یا اشخاص مذکور تحت شرایطی قرار گیرند که خود بخش هایی از اعمال حکومتی را اعمال نمایند.

برای مثال، طی جنگ جهانی دوم در بسیاری از کشورهای متخاصم یا کشورهای مورد تهاجم، مقامات اداری محلی در برابر مهاجمان یا بعداً از مقابل نیروهای رهایی بخش از مقاومت خودداری و فرار می کردند و در آن هنگام اتفاق می افتاد که اشخاصی بنا به ابتکار خویش موقتاً اداره امور را به نفع جامعه برعهده گیرند و در این راه دستوراتی صادر کنند، تصمیمات اداری اتخاذ نمایند، برخی اعمال قضایی را برعهده گیرند یا در دفاع از شهر به عملیات نظامی مبادرت ورزند. در این چنین مواردی اعمال اشخاص مزبور قابل انتساب به دولت خواهد بود.^{۱۶}

در حقیقت در این چنین مواردی بحث اصلی "خصوصی بودن فرد یا افراد" و یا فعالیت دولتی عمل این افراد نیست بلکه بحث این است که آیا ارکان دولتی اعمال خود را از طریق به کارگیری یا تحریک افراد یا گروه های خصوصی انجام می دهند؟ در دیوان داوری ایران و آمریکا به طور مثال این سوال مطرح گردید که آیا اعمال سپاه پاسداران و کمیته به دولت جمهوری اسلامی ایران منتسب است یا نه. دیوان در این خصوص بیان داشت:

این مسأله مطرح می گردد که آیا اعمال موضوع اختلاف، براساس حقوق بین الملل قابلیت انتساب به دولت ایران را دارا است. تردید وجود دارد که انقلابیون طرفداران [امام] خمینی (ره) [ره] یا سپاه را می توان به عنوان ارکان حکومت ایران تلقی نمود چرا که در دوران مدت مورد نظر این قضیه، آنها رسماً به رسمیت شناخته نشدند. قابلیت انتساب اعمال به دولت تنها محدود به اعمال ارکانی است که براساس حقوق داخلی به رسمیت شناخته شده باشند وگرنه هر دولتی می تواند صرفاً با استناد به حقوق داخلی خود از مسؤلیت براساس حقوق بین الملل طفره رود. به موجب ماده ۸ (الف) پیش نویس کمیسیون حقوق بین الملل، یک عمل حتی زمانی قابل انتساب است که فرد یا گروه افراد در حقیقت صرفاً در نبود مکاتبات رسمی به عنوان عامل (Agent) مقام دولتی انجام وظیفه نمایند و در شرایطی که اعمال آن عاملان مسؤلیت مقامات را توجیه نماید.^{۱۷}

دیوان در این قضیه ضروری ندید که وجود دستور از سوی مقامات را به اثبات رساند و صرفاً جایگاه این افراد در نظام سیاسی کشور را عاملی در جهت انتساب عمل آنها به ایران دانست. البته این نتیجه گیری ممکن است در قضایای دیگر با شرایط و اوضاع و احوال متفاوت قابل اعمال نباشد و در آن قضایا مرجع قضایی صدور دستور را نیز برای انتساب عمل ضروری تشخیص دهد.

ب. کنترل اشخاص خصوصی توسط دولت

حالت دوم زمانی است که دولت نسبت به اعمال اشخاص خصوصی کنترل داشته و رفتار آنها را هدایت کند، در این شرایط اعمال و رفتارهایی که با کنترل و یا تحت هدایت یک دولت بوده قابل انتساب به دولت مربوطه خواهد بود. با این حال اجرای این حالت از انتساب عمل به دولت، عملاً آسان نبوده است و در طول تاریخ حقوق بین الملل نظرات متعددی از سوی دادگاه ها و دیوان های بین المللی مطرح شده است. به هنگام اعمال این تئوری سوال اساسی این بوده است که چه میزان کنترل موجب مسؤلیت دولت خواهد گردید؟ در پاسخ باید بیان داشت که دیوان ها و دادگاه های بین المللی آستانه های مختلفی را در این زمینه مطرح ساخته اند.

با اصلاح قانون مصونیت دولت های خارجی

ایالات متحده در سال ۱۹۹۶، به اتباع این کشور اجازه داده شد

که علیه دولت هایی خارجی تحت شرایط خاصی

در ارتباط با شکنجه، قتل غیرقانونی، خرابکاری در هواپیما و

گروگانگیری جهت جبران خسارت طرح دعوی نمایند.

حقوق بشر دوستانه مورد ادعای دولت خواهان را هدایت و اجرا نموده است. این چنین اعمالی بدون کنترل ایالات متحده از سوی اعضا کنتراها ارتکاب یافته است. برای اینکه این عمل منجر به مسؤلیت حقوقی ایالات متحده گردد، اصولاً می بایست اثبات گردد که آن دولت دارای کنترل مؤثر بر عملیات های نظامی و شبه نظامی در نقض های ارتکابی مورد ادعا بوده است.^{۱۹}

بنابراین، دیوان صرفاً در برخی از موارد خاص و به دلیل حضور واقعی و هدایت دولت آمریکا اعمال کنتراها را به دولت آمریکا منتسب نمود و این کشور را دارای مسؤلیت بین المللی دانست. از این ره یافت دیوان در نوشته های حقوق بین الملل با عنوان تئوری کنترل مؤثر یاد می شود.

۲- کنترل کلی

با تحول بسیاری از مبانی حقوق بین الملل پس از پایان جنگ سرد، حقوق مسؤلیت دولت ها نیز از این فرایند بی بهره نماند، به نحوی که برخی دادگاه با هدف حمایت بیشتر از بشر تلاش نموده اند که آستانه پایین تری را نسبت به ره یافت کنترل مؤثر اعلام نمایند. این دیدگاه با رأی معروف دادگاه کبفری بین المللی یوگسلاوی در قضیه تادیچ مطرح گردید. در این قضیه دادگاه به منظور توصیف درگیری مسلحانه موجود در سرزمین یوگسلاوی سابق به عنوان یک درگیری مسلحانه بین المللی، درصدد بررسی میزان کنترل لازم مقامات یوگسلاوی نسبت به نیروهای صرب جهت انتساب عمل آنها به دولت یوگسلاوی برآمد. دادگاه پس از بررسی حالت های مختلف محتمل اعلام می دارد که درجه کنترل یک دولت جهت انتساب عمل اشخاص

خصوصی به آن دولت بنا بر هر وضعیت متفاوت است. دادگاه مذکور در این خصوص بیان داشت:

در حقوق بین الملل شرط انتساب عمل ارتکاب یافته از سوی اشخاص خصوصی به دولت ها این است که آن دولت نسبت به آن اشخاص اعمال کنترل کند. البته درجه کنترل ممکن است بر اساس وضعیت های مختلف متفاوت باشد. شعبه استیناف نمی تواند بیان دارد که چرا در هر وضعیت، حقوق بین الملل می بایست آستانه ای را برای تعیین کنترل در نظر گیرد.^{۲۰}

دادگاه یوگسلاوی در پاسخ به سؤال اصلی اعلام داشت که برای پذیرش یک مخاصمه مسلحانه به عنوان مخاصمه مسلحانه بین المللی در حقوق بین الملل، درجه لازم برای کنترل از سوی مقامات یوگسلاوی نسبت به نیروهای مسلح صرب، کنترل کلی^{۲۱} است. در حقیقت دادگاه یوگسلاوی، معیار دیوان بین المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه را در این گونه موارد قابل اعمال ندانست. البته این یافته دادگاه یوگسلاوی به معنای نفی استنتاج دیوان بین المللی دادگستری نیست. به طور مثال کمیسیون حقوق بین الملل در تفسیر ماده ۷ طرح مسؤلیت بین المللی دولت ها بیان داشته است که رسالت هر یک از این دادگاه ها متفاوت است. در حالی که کارویژه دادگاه یوگسلاوی مسؤلیت کیفری افراد^{۲۲} بوده دیوان به دنبال تعیین مسؤلیت دولت^{۲۳} بوده است.

با این حال از این معیار بسیاری دیگر از دادگاه های بین المللی همانند دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز بهره جسته اند^{۲۴} و تقریباً می توان بیان داشت که در حال حاضر تبدیل به رویه قضایی بین المللی شده است.

به دنبال حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ،

رئیس جمهور ایالات متحده اعلام کرد که

جنگی علیه این کشور به وقوع پیوسته است

و آن دولت در مقام دفاع از خود علیه عاملان و حامیان آنها

از نیروی نظامی استفاده خواهد کرد.

ج . حمایت مادی و معنوی

عامل مسؤلیت دولت

به دنبال حوادث ۱۱ سپتامبر ، رئیس جمهور ایالات متحده اعلام کرد که جنگی علیه این کشور به وقوع پیوسته است و آن دولت در مقام دفاع از خود علیه عاملان و حامیان آنها از نیروی نظامی استفاده خواهد کرد.^{۲۴} ایالات متحده ادعا کرد که این حق به دو دلیل حقوقی قابل پذیرش است. ایالات متحده اولاً این عملیات را به عنوان "حمله مسلحانه" در مفهوم ماده ۵۱ منشور ملل متحد توصیف می نماید^{۲۵} و ثانیاً معتقد است که حقوق بین الملل به او اجازه می دهد علیه افغانستان مبادرت به توسل به زور نماید، زیرا این حمله مسلحانه ۱۱ سپتامبر با تصمیم رژیم طالبان مبنی بر اجازه فعالیت گروه تروریستی القاعده در بخشی از سرزمین افغانستان ممکن گردیده است و برخلاف تلاش های این کشور و جامعه بین المللی، رژیم طالبان هیچ اقدامی جهت تغییر این وضعیت به عمل نیاورده است.^{۲۶} به عبارت دیگر، ایالات متحده تلاش نمود که اقدام نظامی خویش علیه افغانستان را بر مبنای انتساب عمل اعمال القاعده به رژیم طالبان توجیه نماید. به عقیده مسؤلان آمریکا، مقامات این کشور با حمایت و پناه دادن به تروریست ها ، خود مرتکب عمل خلاف گردیده اند. این استدلال حقوقی ایالات متحده مورد حمایت برخی از دولت ها و سازمان های بین المللی قرار گرفت. سازمان پیمان آتلانتیک شمالی موسوم به ناتو طی بیانیه ای با استناد به ماده ۵ پیمان مذکور عملیات

نظامی انجام شده را حمله ای مسلحانه علیه تمامی اعضای سازمان قلمداد نمود و مسأله دفاع از خود فردی و جمعی را مطرح کرد.^{۲۷} شورای امنیت ملل متحد^{۲۸} و سازمان امنیت و همکاری اروپا نیز از ایالات متحده حمایت به عمل آوردند.

این رویه دولتی گسترده موجب گردید که برخی از نویسندگان مسائل حقوق بین الملل ادعا نمایند که تغییرات مهمی در حوزه حقوق مسؤلیت بین المللی و مشخصاً مسأله انتساب عمل اشخاص به دولت ها صورت پذیرفته است.^{۲۹} به موجب این رهیافت جدید ادعای هرگونه حمایت و پناه از اشخاص خصوصی موجب خواهد گردید که عمل این افراد به دولت حامی منتسب گردد. با این حال تاکنون هیچ دادگاه بین المللی با استناد به این چنین رهیافتی عمل اشخاص خصوصی را به دولت ها منتسب ننموده است و به نظر می رسد که اولاً از آن تنها بتوان در عرصه حقوق توسل به زور بهره جست و نه حقوق مسؤلیت و ثانیاً چنانچه این چنین رهیافتی قابل پذیرش هم باشد، تنهابه موضوع خاصی از حقوق بین الملل یعنی تروریسم ارتباط دارد و نه سایر عرصه ها.^{۳۰}

نتیجه گیری

بررسی حقوق بین الملل مسؤلیت دولت ها بیانگر این است که کماکان اصل اساسی عدم پذیرش مسؤلیت دولت ها در قبال اعمال اشخاص خصوصی مورد پذیرش است و دولت ها تنها در صورت دستور و یا کنترل و هدایت عمل اشخاص خصوصی در قبال عمل متخلفانه بین المللی آنها، دارای مسؤلیت خواهند بود. در ارتباط با معیار کنترل رفتار گروه ها و افراد خصوصی، رویه قضایی بین المللی حاکی از این است که نمی توان آستانه مشخصی را برای این چنین کنترلی که موجد مسؤلیت دولت خواهد بود، ذکر نمود و درجه کنترل ممکن است بر اساس وضعیت های مختلف، در نوسان باشد. با در نظر گرفتن این وضعیت حقوقی بین المللی و نبود دلیلی مبنی بر دستور مقامات ایرانی، این نتیجه حاصل می شود که دادگاه های ایالات متحده به هنگام انتساب عمل گروه های لبنانی و فلسطینی به جمهوری اسلامی ایران به درستی عمل ننموده اند.

در حقیقت همانگونه که دادگاه های بین المللی نیز ادعان داشته اند، صرف حمایت مادی و معنوی از اشخاصی خصوصی نمی تواند موجد مسؤلیت دولت شود و برای دادگاه می بایست محرز گردد که دولت مذکور نسبت به عمل متخلفانه مورد نظر، دارای کنترل (خواه مؤثر و خواه کلی) بوده است. حال اینکه دادگاه های آمریکا برای احراز مسؤلیت کشورمان در ارتباط با اعمال گروه های لبنانی و فلسطینی تنها به امارات کلی در خصوص وجود حمایت مادی و معنوی اکتفا نموده اند و به هیچ وجه در صدد اثبات وجود کنترل نسبت به اعمال مورد ادعا در دادگاه بر نیامده اند.

البته ممکن است با طرح رهیافت جدید انتساب اعمال اشخاصی خصوصی به دولت ها که به دادگاه ها اجازه می دهد به صرف وجود حمایت مادی و معنوی عملی را منتسب به دولت نمایند، فرض صحت آرای دادگاه های داخلی آمریکا مطرح شود. لکن همانگونه که بیان گردید رهیافت مذکور تاکنون در رویه قضایی بین المللی جایگاهی نیافته است. در صورت پذیرش رهیافت جدید مورد ادعا، بسیاری از اعمال گروه های خصوصی که با حمایت های مادی و معنوی ایالات متحده در سراسر جهان مشغول به فعالیت می باشند، به آن دولت منتسب خواهد گردید، جریانی که به هیچ وجه مورد قبول مقامات آمریکایی نیست.

بنابراین به طور کلی می توان گفت که محاکم ایالات متحده در صدور احکام خویش علیه کشورمان، قواعد مربوط به انتساب عمل اشخاص خصوصی به دولت ها را لحاظ ننموده اند. این اقدامات نه تنها مستند به حقوق بین الملل کنونی نیست بلکه به جهت ایراد خسارت مادی و معنوی به کشورمان، مستحق عکس العمل مناسب از مجاری حقوقی و دیپلماتیک نیز هست. در این خصوص باید روشنگری لازم برای مسؤلین صورت پذیرد.

1- Foreign Sovereign Immunity Act (FSIA), 1996

2- Internationally Wrongful Act

۳- از این دو شرط به ترتیب با عنوان عنصر فاعلی و عنصر موضوعی یاد می‌شود. بنگرید به: بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، مسؤلیت بین‌المللی دولت، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول ۱۳۷۷، صص ۳۳-۴۷. در ضمن، در خصوص مطالعه تفصیلی مصونیت بین‌المللی دولت‌ها رجوع کنید به: محسن عبداللهی و میرشهباز شافع، مصونیت قضائی دولت در حقوق بین‌الملل، (تهران، اداره چاپ و انتشارات ریاست جمهوری، ۱۳۸۲).

4- see James Crawford, **The International Law Commission's Articles on State Responsibility: Introduction, Text and Commentaries**, Cambridge University Press, 2001.

5- Phosphates in Morocco, Preliminary Objections, 1938, P.C.I.J, Series A/B, No. 76, p. 10.

6- United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran, **I.C.J. Reports** 1980, at p. 29.

به نظر می‌رسد که عنوان قضیه گروگانگیری عبارت پر دازی ناشی از بی‌اعتمادی جامعه بین‌المللی به انقلاب اسلامی بوده است. از این رو، بکارگیری عنوان قضیه سفارت آمریکا در تهران و یالانه جاسوسی، برای ایرانیان مناسب تر است.

7 - United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran, op.cit.

۸- در حالی که براساس قانون یک کشور ممکن است یک گروه در زمره گروه تروریستی به شمار آید، در حالی که همان گروه از نظر کشورهای دیگر، یک نهضت آزادی‌بخش محسوب گردد.

9- Flatow v. Iran, Case No.97-396(RCL), p 17.

10-Eisenfeld v. Iran, Case No.98-1945 (RCL), p 5.

۱۱- برای اطلاع از تحولات حقوق مسؤلیت بین‌المللی دولت بنگرید به:

John Quigley, "Complicity in International Law: A New Direction in the Law of State Responsibility", **British Year Book of International Law**; vol. 57, 1986, pp. 77-131. Pierre-Marie Dupuy, "The International Law of State Responsibility: Revolution or Evolution?", **Michigan Journal of International Law**: 1989, vol. 11, No. 1, pp. 105-128. René Provost (ed), **State Responsibility in International Law**, 2002.

12 - Report of the International Law Commission, Fifty-third Session, 2001 (A/59/20), p. 64.

13 - cf. Ian Braunlie, **State Responsibility**, part. I, 1983, pp. 159 Giuseppe Sperduti, "Responsibility of States for Activities of Private Law Persons", in ; Rudolf Bernhardt (ed), **Encyclopedia of Public International Law**, vol. 10, 1987, p. 373.

۱۴- برای اطلاع از جنبه‌های مختلف مسأله انتساب عمل به دولت‌ها بنگرید به:

Gordon A. Christenson, "Attributing Acts of Omission to the State", **Michigan Journal of International Law**, 1991, vol. 12, No. 2, pp. 312-370. "Attribution issues in States Responsibility", **American Society of International Law Proceedings**, 84 th, 1990, pp. 51-77.

واحد تحقیق دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، مسؤلیت بین‌المللی دولت در نتیجه اعمال افراد شماره سیزدهم، پاییز-زمستان ۶۹، صص ۲۱۷-۸۵.

15- Principle of Effectiveness.

۱۶- بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری. پیشین، ص. ۶۲.

17- Yeager v. Islamic Republic of Iran, **USCTR**, 1987, vol. 17, at p. 103.

18 - Effective Control

19 - Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, Merits, **I.C.J. Reports 1986**, pp. 54-55, Para. 115.

20 Prosecutor v. Dusko Tadic Case IT-94-1, 1999, Para. 117.

21 - Overall Control

22 Supra note 13, p. 104.

23 - See. Loizidou v. Turkey, ECHR, Reports 1996, VI, p. 2216, at pp. 2235-2236, Para 56, Ibid., Preliminary objections, Series A, No 310, 1995, Para. 52.

۲۴- برای اطلاع از مباحث حقوقی مربوط به توسل به زور بنگرید به: نگارنده، بررسی حقوق توسل به زور در قبال تروریسم، فصلنامه نهضت، سال سوم، شماره ۱۲ زمستان ۱۳۸۱، صص ۳۷-۵۴.

S.H. Sadat., "An Agenda for War: The Law of Self - defence in the Light of the 11 September Attacks", **Tilburg Foreign Law Review**, vol. 10, No. 1, 2002.

25- cf, Jonathon Charney, "The Use of Force against Terrorists and International Law", **American Journal of International Law**, vol. 95, 2001, p. 835.

26 - Letter Dated 7 October 2001 from the Permanent Representation of the United States of America to the United Nations Addressed to the President of the Security Council, UN Doc S/2001/946, October 7, 2001.

27 - NATO Press Releases, (2001) 124, 12 September 2001

۲۸- مشخصاً به قطعنامه‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ شورای امنیت می‌توان استناد کرد. بنگرید به نگارنده، پیشین، صص ۴۴-۴۳.

29 - CF. Derek Jinks, "State Responsibility for the Acts of Private Armed Groups", **Chicago Journal of International Law**, Vol. 4, No. 1, 2003, pp.84-90

۳۰- برای اطلاع از مسؤلیت دولت‌ها به دلیل اعمال تروریستی گروه‌های خصوصی بنگرید به:

Scott M. Malzahn, "State Sponsorship and Support of International Terrorism: Customary Norms of State Responsibility", **Hastings International Comparative Law Review**, Vol. 29, No. 1, 2001, pp. 83-114.